

The situation of female and children carpet weavers in the era of Reza Shah Their place in international labor regulations in the era of Reza Shah (based on documents)

Marzieh Hosseini*

Abstract

In Reza Shah's era, Iran's economy experienced the first stage of transition from agricultural economics to industrial and capitalist economics. The establishment and expansion of industrial centers and factories, especially in the spinning and weaving sector, also overshadowed the traditional jobs of women, especially the work of women carpet weavers. The present article, without aiming at examining the process of industrialization during the Reza Shah period, examines the working conditions of women carpet weavers in public and private factories and workshops, and at the same time, the question of the effect of relations with international human rights organizations on regulations. Internationally and domestically responds. The results of the present article, by performing a descriptive-interpretive method and based on a review of available documents, show that female workers and children working in carpet weaving factories and workshops worked in the worst conditions and were exploited by employers; The government of Iran, in alliance with employers, despite accepting international labor contracts and regulations, in practice did not pay the slightest attention to the need to implement the provisions of these contracts, especially for women and children.

Keywords: Female workers, Carpet weaving, Working Children, Labor regulations, Carpet Weaving Workshops, Social history.

* Phd of history, Payame Noor University, Tehran, Iran, iranhosseini63@yahoo.com

Date received: 24 /1/ 2022, Date of acceptance: 18 /05/ 2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

وضعیت اشتغال زنان و کودکان بافنده قالی و جایگاه آنها در نظامنامه های بین المللی کار در عصر رضاشاه (با تکیه بر اسناد)

مرضیه حسینی*

چکیده

اقتصاد ایران در عصر رضاشاه اولین مرحله گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی و سرمایه داری را تجربه کرد. تاسیس و گسترش مراکز صنعتی و کارخانه ها به ویژه در بخش ریسندگی و بافندگی مشاغل سنتی زنان خاصه کار زنان قالیباف را نیز تحت شعاع قرار داد. نوشتار حاضر بی آنکه بررسی روند صنعتی شدن در دوره رضاشاه را هدف خود بداند، در پی پاسخ به این پرسش است که رشد مراکز صنعتی در این دوره چه تاثیری بر اشتغال زنان کارگر داشت، شرایط کار برای کارگران زن که عمدا در بخش قالی بافی متمرکز بودند به چه شکل بود و آنها چه جایگاهی در تدوین نظامنامه های قانون کار داشتند. فرضیه پژوهش با تکیه بر روش کتابخانه ای خاصه مطالعه اسناد کارخانه ها و کارگاه های قالی بافی در این دوره، توضیح می دهد که کارگران زن و کودکان کارگر در کارخانه ها و کارگاه های قالی بافی در بدترین شرایط کار کرده و مورد استثمار کارفرمایان قرار می گرفتند؛ دولت ایران نیز در اتحاد با کارفرمایان، به رغم پذیرفتن قراردادهای و نظامنامه های بین المللی کار که به زنان کارگر توجه ویژه داشت، در عمل کوچکترین توجهی به ضرورت اجرای مفاد این قراردادها به ویژه در خصوص زنان و کودکان نداشت.

* دانش آموخته دکتری تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. iranhosseini63@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: کارگران زن، قالی‌بافی، تاریخ اجتماعی، کودکان کار، نظامنامه‌های کار، کارگاه‌های قالی‌بافی

۱. مقدمه

قالی‌بافی در ایران عصر قاجار و رضاشاه مهم‌ترین صنعت در میان صنایع دستی بود که با داشتن بیش از ۶۵ هزار کارگر در سال ۱۳۹۲/۱۹۱۴ شش مقام اول را در بین تولیدات ایران داشت. پیش از این نیز قالی‌بافی و فرش بافی رشد چشم‌گیری را در طی ربع قرن آخر سده نوزدهم تجربه کرده بود. (فلور، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۳ و ۴۱) در دوره رضاشاه متاثر از آغاز روند صنعتی شدن کشور، صنعت ریسندگی و بافندگی رشد چشمگیری را تجربه کرد، تاسیس کارخانه و کارگاه‌های جدید قالی بافی و همچنین آموزش بافندگی و ریسندگی به عنوان هنر و مهارت در نظام آموزشی از جمله اقدامات دولت پهلوی بود که تعدادی از زنان را به عنوان کارگر قالی باف وارد کارخانه‌ها و کارگاه‌های بافندگی کرد. هدف این نوشتار و پرسش بنیادین آن، توصیف شرایط کار و دشواری‌های شغلی-معیشتی زنان کارگر قالی باف در عصر رضاشاه و به همین اعتبار، بررسی جایگاه زنان در قوانین و نظامنامه‌های بین‌المللی کار که دولت ایران نیز مفاد این قراردادها را پذیرفته بود است. با توجه به اینکه کارخانه‌های قالی بافی که کارگر زن نیز داشتند در همه شهرهای ایران وجود نداشت، بدیهی است که این نوشتار به بررسی شهرهایی مانند اصفهان، گروس و کرمان که از دیرباز مراکز قالی بافی بودند می‌پردازد و با تکیه بر اسناد آرشیوهای سندی توضیح می‌دهد که کارگران زن که متعلق به خانوارهای فقیر بودند به همراه کودکان کار (دختر بچه‌ها) در شرایط بسیار نامناسبی کار می‌کردند و اغلب به بیماری‌های متعددی مبتلا بودند. دستمزد آنها اندک بود و به اشکال مختلف استثمار می‌شدند. حق و حقوق کارگران زن در نظامنامه‌های بین‌المللی کار که ایران نیز از جمله کشورهای عضو آن بود، از دیگر مسائل مورد پرسش و اشاره این نوشتار است. وضعیت کارگران زن موضوعی نیست که در کتب و حتی نشریات زنان در عصر رضاشاه (که البته از ۱۳۱۰ به بعد تعطیل شدند) به وفور مورد بررسی قرار گرفته باشد، نشریاتی که رویکرد سوسیالیستی داشتند و به وضعیت زنان کارگر می‌پرداختند مانند بیداری ما، جهان زنان و حقوق زنان، در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ شروع به فعالیت کردند؛ به همین دلیل این نوشتار بررسی اسناد را مورد توجه قرار داده است.

پژوهش گرانی هم که مساله صنعتی شدن ایران در عصر رضاه یا وضعیت کارگران در این دوره را عمدتاً در رساله های دکتری و ارشد خود خود مورد توجه قرار داده اند مانند مهدی رجایی که وضعیت کارگران بافنده و ریسنده اصفهان را بررسی کرده^۱ و میثم رضایی که تاثیر صنعتی شدن بر ظهور نسل جدیدی از کارگران را موضوع پژوهش خود قرار داده،^۲ و در نهایت حسین احمدزاده نودیجه^۳ که تاریخ ظهور طبقه کارگر در ایران را بررسی کرده است، به وضعیت کارگران زن اشاره ای نکرده اند. این نوشتار اما ضمن پرداختن به اشتغال زنان قالی باف در کارگاه های خانگی و غیر آن که عمدتاً توسط کمپانی های خارجی و دولتی تاسیس شده بود، وضعیت کار و معیشت این کارگران را بررسی کند.

۲. دولت مدرن و اشتغال زنان قالیباغ

دولت در راستای ایجاد تغییر در هنرهای دستی زنان و فراهم کردن بستری برای رشد مشاغلی که به شکل سنتی زنانه پنداشته می شد، اقدام به برگزاری کلاس های آموزش صنایع دستی و هنری از جمله طراحی، نقشه کشی فرش و قالی و بافت انواع قالیچه، حجاری و موزاییک سازی و پارچه بافی تحت نظارت اداره کل صناعت کرد و در سال ۱۳۱۰ مدرسه زری بافی را به این مجموعه افزود که در آنجا به زنان و همچنین مردان زری بافی، گلابتون دوزی و طلاکاری روی پارچه آموزش داده می شد. این کلاس های آموزشی در دارالایتم ها نیز دایر بود. (اطلاعات، ش ۱۵۷۳، ۱۳۱۰: ۱) شرایط شرکت در کلاس های اداره صناعت عبارت بود از داشتن تصدیق کلاس ۶ ابتدایی، سن هنرجو کمتر از ۱۸ سال نباشد، داشتن تصدیق پایان خدمت برای پسران، داشتن استعداد برای یادگیری صنایع مستظرفه، عدم معروفیت به فساد اخلاق (همان: ۳)

دولت همچنین با اقدام به تأسیس کارگاه های ریسندگی، بافندگی و صنایع دستی که مجهز به دستگاه های وارداتی جدید بودند، نفوذ دامن گستر خود به این بخش از مشاغل زنان نیز تسری داد و سربازان آماده باش را برای نظارت بر اجرای این طرح گسیل داشت. کارگاه های مختلف در رشته های هنری با توجه به ظرفیت و جمعیت هر روستا، شهر و شهرستان تعیین می شد. (همان) یکی از مهم ترین اقدامات دولت در این حوزه تاسیس «مؤسسه قالی بافی» با هدف تسهیل نظارت دولت بر کار قالی بافی زن و رصد عملیات تولید و فروش و تجارت قالی تحت ریاست «وزارت تجارت» با همراهی «وزارت مالیه» بود.

مقرر شد که این مؤسسه به پیشرفت و گسترش کار قالی‌بافی در کشور کمک کرده و نظارت بر عملکرد و تولید کارگاه‌های قالی‌بافی و همچنین تأسیس آن‌ها را نیز بر عهده بگیرد. (همان، ش ۷۳۴، س ۱۳۰۸: ۲) وزارت پیشه و هنر نیز در آذر ۱۳۱۷ اقدام به تأسیس یک هنرستان آموزش نساجی و بافندگی در شهر شاهی کرد. هدف از این کار تربیت صد هنرجوی دختر و پسر به‌عنوان کارگر ساده، کارگر فنی، استادکار، ابریشم‌کش و بافنده بود. شرایط پذیرش داشتن گواهی پایان تحصیلات ابتدایی، ارائه گواهی صحت مزاج، داشتن حداقل ۱۵ و حداکثر ۲۴ سال سن بود. دوره تحصیل دو سال بود و در طول تحصیل به هنرجویان کمک هزینه‌ای به مبلغ ۶۰ ریال ماهانه پرداخت می‌شد. این مبلغ بسته به شرایط تحصیلی هنرجو تا ۸۰ ریال قابل پرداخت بود. هنرستان به‌صورت شبانه‌روزی اداره می‌شد و اولویت با فرزندان خانواده‌های بی‌بضاعت ساکن در ساری، رشت و گرگان و استان‌های ۳ و ۷ بود. (همان، ۱۳۱۷/۹/۷: ۱)

تغییرات اقتصادی و حرکت به سمت اقتصاد صنعتی، تأثیری مهم بر اشتغال زنان و ایجاد تحول در مشاغل سنتی آن‌ها داشت. اطلاعات بسیار اندکی درخصوص کار زنان در بخش صنعت وجود دارد. نگاهی به کارگاه‌ها و کارخانه‌های ریسندهی و بافندگی در سال ۱۳۱۴ نشان می‌دهد که تعداد کارگرهای زن در کارخانه‌ها و کارگاه‌های ریسندهی و بافندگی افزایش یافته بود. (Sedghi, 2007: 69-70) داده‌ها درخصوص نیروی کار زنان در بخش صنعتی و کارگری بسیار اندک است زیرا آمار مشخصی از کارگران در این دوره تا قبل از دهه ۳۰ وجود ندارد. بنابراین در فقدان آمار مشخص باید به داده‌های اواخر دهه ۲۰ اکتفا کرد. بررسی‌های اجمالی و پراکنده نشان می‌دهد که مشارکت اقتصادی زنان در دوره رضاشاه افزایش یافت به طوری که آنها در حدود ۱۶ درصد از نیروی کار را تشکیل می‌دادند، یعنی از ۵۱۳ هزار کارگری که در بخش سنتی و صنعتی مشغول به کار بودند، ۸۲۰۰۸۰ نفر آن‌ها زن بودند. به‌صورت کلی از مجموع ۵۱۳۰۰۰۰ کارگر، ۲۵۰۰۰۰۰ نفر در بخش سنتی و ۲۶۳۰۰۰۰ نفر کارگر صنعتی بودند. کاهش نیروی کار در بخش کشاورزی با افزایش این نیرو به‌ویژه زنان در بخش عمومی و خدمات همراه بود، زیرا به کار افتادن سرمایه خارجی و دولتی در بخش‌های مختلف با کمک درآمد نفت و استفاده از تکنولوژی‌های غربی در حوزه‌های مختلف از جمله بروکرسی، آموزش، بهداشت، خرید و فروش و تجارت، و همچنین شکل‌گیری سبک جدیدی از زندگی خاصه در بین طبقات بالا و متوسط، وجود نیروی کار جدید در بخش عمومی و خدماتی را به‌ضرورت کرده

بود. گسترش آموزش زنان و استخدام آنها در بخش آموزش و بهداشت در کنار ورود زنان به مشاغل چون دفترداری، حسابداری، منشی‌گری، مترجمی، فروشندگی، تولیدی‌های لباس و ارزاق، در واقع پاسخ نیاز به مشاغل جدید بود. براساس داده‌های سال ۱۳۳۵ در حدود ۲۴ درصد از جمعیت زنان شهری شاغل در بخش خدمات مشغول به کار بودند. (ibid)

در کنار نیاز به نیروی کار زنان در بخش خدمات، فقر زنان به‌ویژه زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست نیز عامل تأثیرگذار دیگری در ورود زنان به مشاغل خدماتی و همچنین مشاغل سطح پایین بود. همین عامل یعنی نیاز اقتصادی در گرایش مردان به این بخش نیز مؤثر بود. به گزارش بخش استخدامی بلدیة تهران، خراسان و مشهد، به‌ویژه از سال ۱۳۱۰ به بعد درخواست‌های زیادی از طرف مردان و زنان برای کار به این اداره ارسال می‌شد. این افراد با ارائه مدرک تحصیلی خود که اغلب پایان دوره ابتدایی یا متوسطه بود درخواست کار داشتند. در سال ۱۳۱۰ در حدود ۸۰ مرد در نامه درخواست خود نوشتند: با وجود داشتن تحصیلات بیکار هستند در حالی که خانواده‌های بیش از ۵ نفر را سرپرستی می‌کنند. این افراد عنوان کردند برای هر کاری حتی در بخش آژانی، ساخت و ساز، اداری و نظیف آماده‌اند. در بین نامه‌های درخواست کار، برگه درخواست چند زن نیز وجود داشت که نوشته بودند سرپرست خانوار و بسیار فقیرند؛ آنها برای کار در بخش خدمات و «تنظیف» اعلام آمادگی کرده بودند. براساس اظهارات درخواست‌کنندگان زن، چون اولویت استخدام با مردها بود پیدا کردن شغل حتی به‌عنوان نظافت‌چی برای زنان دشوار بود و آنها پس از ماه‌ها رفت و آمد به بلدیة و التماس کردن برای کار دست خالی باز می‌گشتند. در سال ۱۳۱۰ «ملکه خانم» که سابقاً سرپرستار بیمارستان رضوی مشهد بود به بخش استخدامی بلدیة نوشت: به دلیل داشتن فرزند کوچک مجبور شده کار خود را رها کند اما چون نان‌آوری جز خودش ندارد مجبور به کار است و از بلدیة می‌خواهد کاری پاره‌وقت به او پیشنهاد دهد. (ساکما، ۲۹۳۲۸۲۰۵) عرصه قالی بافی از دیگر حوزه‌هایی بود که تغییراتی را متأثر از صنعتی شدن مشاغل خانگی تجربه کرد و حضور زنان و تمرکز آنها در این حرفه هم به‌صورت خانگی و هم در کارگاه‌ها و کارخانه‌های شهرهای مختلف به‌ویژه اصفهان و کرمان افزایش یافت. در این دوره زنان در ۶۹ مؤسسه قالی بافی، ۲۵ کارخانه پنبه پاک‌کنی دولتی و در ۳۰ کارخانه پارچه‌بافی به تعداد زیاد کار می‌کردند. به عبارت دیگر در کارخانجات قالی‌بافی از ۵۱ هزار و ۸۰۰ نفر کارگر، ۳۸ هزار نفر زن بودند. دختران بچه‌های

۶ تا ۱۲ سال و پسر بچه ها بخش مهمی از این نیروی کار بودند و ۲۵ درصد از نیروی کار در مؤسسات صنعتی قالی بافی و کارگاه های خانگی را تشکیل می دادند. به صورت کلی زنان و کودکان مزد کمتری از مردان دریافت می کردند. (ساکما، ۲۳۹۰۰۰۵۹۰۵)

با وجود آنکه اقتصاد ایران در دوره رضاشاه اولین قدم های خود به سمت صنعتی شدن را برمیداشت قالی بافی و فرش بافی بنا به ساختار و نیروی کاری که داشت در مقایسه با سایر صنایع تأثیر کمتری از مدرنیته و صنعتی شدن پذیرفت. به عنوان مثال در شهر گروس به عنوان یکی از مراکز تولید قالی و فرش، شغل عمده زنان مشارکت در صباغی پشم، تاییدن نخ و آماده سازی پشم برای نخ ریزی و بافت قالی بود. اولین مرحله کار یعنی صباغی پشم بیشتر توسط کلیمیان و زنان کلیمی و از طریق رنگ های مصنوعی و یا طبیعی انجام می گرفت؛ ادامه کار رنگ رزی نیز با زنان بود، آنها اما برای این کار آموزش ندیده و کار رنگ رزی را تنها به صورت تجربی و توارث آموخته بودند. این عدم آموزش و ناآگاهی نسبت به روش های جدید رنگ رزی و یا پشم ریزی و نخ تابی در کنار قدیمی و سنتی بودن ابزار و شیوه کار یکی از مشکلات زنان قالی باف و کارگر در گروس بود. این مسئله سبب شده بود که زنان ساعات زیاد و طاقت فرسایی را صرف کار کردن کنند، اما نیروی کار آنها پاسخ گوی حجم پشم مورد نیاز و مورد استفاده نبود. حاکم گروس در خصوص مشکلات موجود در سال ۱۳۱۰ خطاب به وزارت داخله نوشت، به دلیل فقدان امکانات، قالی های بافته شده از لحاظ رنگ یک دست نبوده و این فقدان کیفیت، برای کارگران زن در پرداخت دستمزد تولید اشکال می کند. حاکم گروس در ادامه گزارش خود از دولت خواست برای تأسیس شرکت قالی و سرمایه گذاری در جهت مدرن کردن این صنعت اقدام کند، وی در توضیح این ضرورت نوشت: سرمایه گذاران شخصی در این ناحیه عمدتاً مَلاک و زمین دار هستند و علاقه چندانی به صنعت و سرمایه گذاری در بخش صنایع دستی و اساساً صنعت ندارند؛ از نظر آنها زمین ثروت است، نه دستگاه و کارخانه و کارگاه قالی بافی بنابراین لازم است دولت مداخله بیشتری در کار قالی بافی کرده و دوره های آموزش رنگ رزی برای زنان توسط یک متخصص را برگزار کند زیرا افزایش دستمزد کارگران زن منوط به انجام کار با کیفیت در بافت قالی و فرش و ابعاد کالای تولید شده بود؛ اما با وجود روش ها و ابزار قدیمی این امکان محقق نمی شد. حاکم گروس در آخر تحول در صنایع دستی و به ویژه قالی بافی از طریق نصب دستگاه های جدید در منطقه گروس را خواستار شد. (ساکما، ۲۳۹۰۰۰۵۹۰۵) بنا به درخواست ها و ضرورت وجود تحول در صنایعی چون

وضعیت اشتغال زنان و کودکان بافنده قالی و جایگاه آنها ... (مرضیه حسینی) ۶۵

قالی بافی بود که در دوران رضاشاه شرکت‌های قالی‌بافی برای نظارت و اداره صنعت قالی‌بافی تأسیس شدند. با شکل‌گیری کمیسیون قالی که کار تدوین برنامه و نظارت بر شرکت‌های قالی را عهده‌دار بود، این صنعت دستی به کنترل دولت درآمد. در سال ۱۳۱۹ شرکت‌های قالی‌بافی در لنجان و سایر روستاهای اصفهان، با به خدمت گرفتن زنان و دادن مزد به آنها جای کارفرماهای پیشین در صنعت قالی را گرفتند. (ساکما، ۲۹۱۱۴۹۵)

پس از تأسیس کمیسیون قالی، به افرادی که در زمینه قالی‌بافی و بخش‌های مختلف آن فعالیت کرده و دارای تجربه بودند اعلام شد که دولت در صدد استخدام مربیان دارای تحصیلات جدید برای آموزش قالی‌بافی است، این مربیان از دولت حقوق گرفته و موظف اند تجربیات و تخصص خود را در اختیار علاقمندان و شاغلان در بخش بافندگی قالی قرار دهند. دولت بنا داشت نسلی از مربیان آموزش دیده جدید را برای آموزش حرفه قالی بافی بر اساس متدهای جدید صنعتی به کار گرفته و همچنین با کمک نصب ماشین‌آلات مدرن بهره‌وری اقتصادی در زمینه قالی بافی را افزایش دهد. (همان)

این اعلان براساس نظام‌نامه کمیسیون قالی صورت گرفت. براساس این نظام‌نامه، کار بافندگی فرش باید به شکل صنعتی درمی‌آمد و از حالت خانگی خارج می‌شد. تجار قالی در هر ولایتی موظف بودند براساس مواد نظام‌نامه این کمیسیون عمل کنند. حاکم کردستان درخصوص موانع اجرای مفاد نظام‌نامه کمیسیون قالی درخصوص دایر کردن دارهای قالی در کارگاه برای زنان و همچنین اجرای مفاد نظام‌نامه در کارخانه‌های قالی خطاب به وزارت داخله نوشت: در کردستان کارخانه قالی‌بافی یا کارگاه‌های تولیدی وجود ندارد. زنان کُرد در خانه‌های خود به کار بافندگی مشغول‌اند و توانایی مالی اجاره حتی یک اتاق برای افراشتن دار قالی را ندارند، بنابراین دولت باید به کمک تجار، ابتدا امکاناتی برای تأسیس کارخانه یا کارگاه قالی بافی فراهم کند بعد اجرای قواعد نظام‌نامه کمیسیون قالی از جمله نصب ماشین‌آلات جدید در راستای صنعتی کردن قالی بافی در ولایات را خواستار شود. (ساکما، ۲۹۳۵۹۰۵)

۱.۲ دشواری‌های کار زنان کارگر و تدوین نظام‌نامه‌های کار

کارگاه‌ها و کارخانه‌های قالی بافی در کشور یک یا دوبار در طول سال مورد بازرسی قرار می‌گرفت این تیم‌های بارسی در اغلب اوقات یا متشکل از بازرسان خارجی بود یا حداقل

یک خارجی در تیم بازرسی وجود داشت. براساس گزارش بازرسان کارخانه‌های قالی‌بافی کرمان در سال ۱۳۱۴ در این استان جمعاً ۲۷۰ کارخانه، کارگاه و شرکت ریسندگی و بافندگی به ترتیب زیر وجود داشت:

شمار کارگران کارخانه های کرمان سال ۱۳۱۴

تعداد مراکز صنعتی	کارگران زن	کارگران مرد	دختر بچه های کارگر زیر ۱۵ سال	پسر بچه های کارگر زیر ۱۵ سال	مجموع کارگران
۲۶۵ کارخانه قالی	۳۶۵	۱۰۱۱	۱۴۴	۳۶۵	۱۸۸۷
۳ کارخانه پارچه بافی					
یک کارخانه پشم پاک کنی					
یک شرکت سهامی پشم					

بنا به گزارش بازرس کارخانه‌های قالی‌بافی کرمان، از آن‌جا که تعداد زیادی از زنان در خانه‌ها و در روستاها مشغول قالی‌بافی بودند، نام و آمارشان در احصائیه‌های رسمی ثبت نمی‌شد بنابراین تعداد کارگران زن قالی باف بیشتر از عدد اعلان شده بود، این مسئله در مورد کودکان کارگر نیز صادق بود، زیرا بسیاری از کودکان در خانه‌های خود و خانه‌هایی که توسط شرکت یا کارخانه قالی‌بافی تهیه شده بود رنگرزی و پشم‌ریسی می‌کردند و محصول را به کارخانه تحویل می‌دادند. ساعت کاری در بخش یک کارخانه ۸ ساعت و در بخش دو ۱۰ ساعت در طول روز بود. حداقل دستمزد ۱/۵ ریال و حداکثر ۳ ریال در روز بود هرچند که دستمزد ۳ ریال به ندرت پرداخت می‌شد. (ساکما، ۲۹۷۲۲۶۶۲)

بازرس کارخانه‌های قالی‌بافی در همین سال و در ادامه گزارش خود به کسادی بازار قالی و تأثیر آن بر زندگی کارگران بافنده کرمان که اغلب زن و کودک هستند اشاره می‌کند و می‌نویسد: به‌واسطه این کسادی و خراب شدن بازار قالی در کشورهای خارجی، بیشتر کارخانه‌های بزرگ و کارگاه‌های کوچک قالی‌بافی حتی کارخانه آمریکایی «عطیه پروس» تعطیل شده و تعداد زیادی از کارگران اعم از زنان و کودکان بیکار شده‌اند، گزارش ادامه می‌دهد که این زنان بسایر فقیر بوده و منبع درآمدی جز قالی بافی ندارند کودکان کرمانی نیز

اگر در کارخانه‌ها کار نکنند، کاری جز ولگردی و گدایی ندارند. بازرس در ادامه می‌نویسد کرمان از دیرباز شهر کم آب و فاقد امکانی برای کشاورزی بوده، این مسئله سبب شده که اهالی این استان تنها از طریق صنایع دستی از جمله قالی‌بافی کسب معیشت کنند اما گسترده شدن دامنه بی‌آبی و خشکسالی حتی بر صنایعی چون قالی‌بافی نیز تأثیر مخرب گذاشته، این درحالی است که مردم این ناحیه بسیار فقیرند و در صورت نبود امکانی برای قالی‌بافی از حیث معیشت در مضیقه قرار می‌گیرند بنابراین، دولت می‌بایست از طریق اعطای وام و کمک هزینه معیشتی و شیوه‌های دیگر به وضعیت آب، صنعت قالی‌بافی و فقر و ناداری در کرمان سر و سامان دهد. (همان)

زنان قالی‌باف در زمره محروم‌ترین کارگران از حیث شرایط کاری و دستمزد بودند. فقدان ابزار کارآمد، شرایط نامناسب بهداشتی و مهم‌تر از همه استثمار زنان توسط کارفرمایان و خریداران قالی، در مراکز قالی‌بافی از جمله مشکلات کارگران زن بود. سلطان آباد عراق یکی از مراکز عمده تولید و تجارت قالی در زمان رضاشاه بود. در اوایل دهه ۱۳۰۰ در این ایالت کمپانی‌های متعددی توسط تجار داخلی و خارجی تأسیس شده و به‌طور متوسط سالی بیش از ۲ کرور (۱ میلیون) تومان قالی و قالیچه از این ناحیه به خارج فرستاده می‌شد. اداره مالیه عراق و سلطان آباد درخصوص شرایط کار زنان و کودکان قالی‌باف می‌نویسد: کمپانی‌ها به این دلیل که سرمایه و ابزار کار از جمله نخ و پشم و دستگاه‌های بافندگی را در اختیار دارند، این مواد را به تفاوت نقشه و دستورالعمل در اختیار زنان و مردان قرار داده و محصول تولید شده را تحویل می‌گیرند، علی‌رغم دشواری کار، اجرتی که در قبال محصول تولید شده پرداخت می‌شود بسیار اندک و ظالمانه است، مردم فقیر اعم از زن و مرد حتی کودکان به دلیل ناداری و فقر مجبورند به شرایط کمپانی‌ها تن دهند. شیوه پرداخت اجرت معمولاً به این شکل بود که کارگران زن از آن‌جا که به خانواده‌های بسیار فقیری تعلق داشتند و یا سرپرست خانوار و بیوه بودند، بخشی از مزدی را که در قرارداد قید شده بود را در اوایل کار دریافت می‌کردند، اما برای پرداخت نصف دیگر کمپانی‌ها تعلل کرده و یا به عمد ایرادهای مختلفی از کار کارگران زن گرفته و از پرداخت بخش دوم پول خودداری می‌کردند؛ بدین ترتیب کمپانی‌ها و شرکت‌ها به قیمت رنج و بیچارگی کارگران زن، مرد و کودکان بسیار کم سن و سال، سودهای سرشاری به جیب می‌زدند. به‌عنوان مثال فرش را به قیمت زرعی ۷ یا ۸ تومان از کارگران و بافنده‌ها خریداری و به قیمت ۲۰ تومان در داخل و ۴۰ تا ۵۰ تومان در خارج به فروش می‌رساندند.

در ادامه گزارش اداره مالیه عراق درباره وضع جسمانی کارگران زن و سایر کارگران آمده که این بافنده‌ها سلامتی خود را به خاطر این دستمزد اندک به خطر می‌اندازند؛ انواع بیماری جسمی، پیری زودرس، مشکلات روحی، زایمان‌های زودرس، سقط جنین و به دنیا آمدن نوزادان نارس و ناقص از جمله خطراتی است که همواره زنان را تهدید می‌کند وضعیت بهداشت و سلامت جسمی و روحی کودکان کارگر هم بهتر از زنان نیست. رئیس اداره مالیه عراق از اداره کل می‌خواهد ترتیبی داده شود که قراردادهای کارگران و بافنده‌ها در دفتری ویژه در اداره مالیه ثبت و از قرار تومانی صد دینار تمبر به اوراق قراردادهای الصاق شود و همچنین و ترتیبی اتخاذ گردد که این پول از خریداران قالی ستانده شود تا در وهله اول سودی به میزان سالی در حدود ۲۰ تومان از بابت تومانی صد دینار عاید دولت شده و به علاوه از آنجا که قراردادهای اداره مالیه ضبط و ثبت می‌شود، کمپانی‌ها و تجار نتوانند حق و حقوق کارگران را تصییع کرده و از پرداخت دستمزد آن‌ها سر باز زنند. (ساکما، ۲۴۰۶۳۸۶)

مشکلات زنان بافنده اما تنها به استنمار آن‌ها از حیث پرداخت دستمزد محدود نمی‌شد، مشکل مهم‌تر نامناسب بودن محیط کار و فقدان بهداشت و ایمنی کار در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها بود. مشاهده و گزارش چنین شرایطی به‌ویژه توسط مأمورین خارجی به تنظیم اولین نظام‌نامه کار و حفظ‌الصحه کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در سال ۱۳۰۲-۱۳۰۱ با هدف بهبودی شرایط کارگران، جهت اجرا در کارگاه‌های قالی‌بافی کرمان و سیستان و بلوچستان منجر شد. در این مقررات به مواردی از قبیل ساعت کار، شرایط کار براساس سن و جنسیت کارگران، شرایط بهداشت و حفظ‌الصحه کارگران، ایمنی محل کار، ایام تعطیل و بازرسی محل کار اشاره شده بود. این مقررات تحت فشارهای سازمان‌های بین‌الملل و به دلیل شرایط رقت‌انگیز کار زنان و کودکان در کارگاه‌های کرمان در واقع به والی این شهر تحمیل شد.

اولین نظام‌نامه کار و حفظ‌الصحه کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در سال ۱۳۰۲-۱۳۰۱

ماده ۱ و ۲	ساعت کاری برای همه کارگران ۸ ساعت و روزهای جمعه و اعیاد ملی و مذهبی کارخانه‌ها و کارگاه‌های قالی تعطیل است.
ماده ۳	کار پسران زیر ۸ سال و دختران زیر ۱۰ سال را ممنوع است.

وضعیت اشتغال زنان و کودکان بافنده قالی و جایگاه آنها ... (مرضیه حسینی) ۶۹

ماده ۴ و ۵	به منظور جلوگیری از آزار جنسی دختران و زنان کارگر، باید کارگاه های زنانه و مردانه منفک و کارگاه های مختلط جمع آوری شود. سرکارگر و نقشه خوان مرد اجازه ورود به محل کار زنان را ندارد و برای نظارت بر کار می بایست سرکارگر زن استخدام شود.
ماده ۶ و ۷	دایر کردن کارخانه های قالی بافی در زیرزمین ها و اماکن تاریک و مرطوب ممنوع است، و محل کار باید دارای سیستم تهویه و پنجره آفتاب گیر باشد. کارگاه ها همچنین می بایست یک ذرع از سطح زمین بلندتر و نشستگاه باید به اندازه کافی مرتفع باشد.
تبصره ماده ۷	کارفرمایان موظف است امکانی برای معاینه ماهی یکبار کارگران فراهم و کارگرانی که به بیماری های مسری مبتلا هستند را قرنطینه کند.

«سردار معظم» حاکم ایالت کرمان و بلوچستان ملزم بود مواد نظام نامه مذکور در کلیه کارگاه ها و کارخانه های قالی بافی کرمان و سیستان را لازم الاجرا اعلام و بر حسن اجرای آن نظارت کند. (ساکما، ۲۹۳۵۵۰۷) گزارش های بعدی در خصوص وضعیت اسفناک زنان بافنده در کرمان اما نشان می دهد که مقررات مصوب سال ۱۳۰۱ به مرحله اجرا در نیامده بود. این گزارش ها که اغلب توسط سفرای خارجی به عنوان مثال سفیر آمریکا در سال ۱۳۱۴ نوشته می شد، حاکی از وجود بیماری سل و سایر بیماری های ریوی و تنفسی و همچنین فلجی و از شکل خارج شدن لگن ها و استخوان های پا در بین زنان و دختران کارگر و بافنده بود. (ساکما، ۲۹۷۲۲۶۶۲)

دشواری کار زنان کارگر خانواده های آنها را نیز درگیر می کرد. بلدیة تهران در خصوص مرگ و میر اطفال در این شهر نوشت: تلفات در میان اطفال یک ساله و زیر یک سال که مادرانی کارگر دارند زیاد است. این زنان مجبورند حتی تا روزهای قبل از وضع حمل نیز در کارخانه ها و کارگاه ها به ویژه کارگاه های قالی بافی کار کنند به همین دلیل اغلب دچار زایمان زودرس شده و اطفالی ناقص و نارس به دنیا می آورند که مدت کوتاهی پس از تولد می میرند. همچنین ترک خانه توسط مادر و اشتغال در بیرون از خانه سبب می شود که اطفال یک ساله از مراقبت و توجه لازم برخوردار نشده و به اشکال مختلف از جمله سوختگی یا خفگی بمیرند. در بعضی از موارد زن ها مجبور بودند نوزادان خود را به محل کار ببرند، اتاق های کوچک و بسیار کثیف، تاریک و سرد و نمود کارگاه ها و کارخانه ها، مشکلات و بیماری های جدی برای اطفال و مادرانشان ایجاد می کرد و بعضی از آنها بر اثر این

بیماری‌ها تلف می شدند و بسیاری دیگر همواره بیمار و رنجور بودند. (احصائیه شهر تهران سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴: ۵۵)

این مرگ‌ومیرها با توجه به اینکه در کارخانه‌ها و کارگاه‌های بافندگی، ریسندگی و به ویژه قالی بافی زنان و کودکان عمدتاً در قسمت های سخت کار می کردند، دور از انتظار نبود، زیرا کارهای این بخش با دست و بدون داشتن لوازم بهداشتی و ایمنی انجام می شد و در ارتباط مستقیم با سلامتی کارگران زن قرار داشت. به‌عنوان مثال زنانی که دربخش پنبه‌شویی و پنبه‌زنی مشغول بودند هیچ‌گونه وسایل بهداشتی از قبیل ماسک و دستکش نداشتند به همین دلیل در معرض انواع بیماری‌های تنفسی و سل بودند. این زنان پس از مدتی به دلیل ورود و تجمع گرد و غبار در مجاری تنفسی‌شان بیمار شده و قادر به ادامه کار نبودند. شرایط کاری نامناسب و عدم توجه کارفرمایان به رعایت قواعد نظام‌نامه‌ها و قوانین مصوب باعث شد که در اسفند ۱۳۰۷ بیش از ۲۰ هزار کارگر که در صنایع نساجی یزد اشتغال داشتند نسبت به شرایط بد کاری و عدم وجود بهداشت و امکانات پزشکی در محل کار خود دست به اعتراض بزنند. (ساکما، ۳۱۰۰۰۳۴۵)

در مرداد ۱۳۱۱ رئیس کل صحنه اقدام به تنظیم طرح سه ساله بهداشت و درمان کشور کرد که قسمتی از این طرح به «حفظ‌الصحة کارگران» اختصاص داشت. در بخشی از این دستورالعمل که به کار کودکان کار اختصاص داشت آمده بود: به کار گرفتن اطفال زیر ۱۲ سال در کارخانجات و کارگاههای قالی‌بافی ممنوع است، همچنین قبل از استخدام و در طول مدت کار، کارگران باید مورد معاینه پزشکی قرار گیرند و ساعت کار نباید از ۸ ساعت تجاوز کند. (ساکما، ۲۹۳۸۷۸) اداره بین‌المللی کار نقش مهمی در تدوین نظامنامه های کار، ابلاغ آن به کشورهای مختلف از جمله ایران و فرستادن بازرسانی برای رصد و گزارش وضعیت کارگران، زنان کارگر و کودکان کار به مقر این موسسه در ژنو داشت. این موسسه یا اداره پس از جنگ جهانی اول در ۲۵ ژانویه ۱۹۱۹ با هدف حمایت از حقوق کارگران جهان به ویژه کارگرانی که از پیامدهای جنگ آسیب دیده بودند و همچنین ایجاد همکاری میان دولت‌ها، کارگران و کارفرماها تشکیل شد. اداره بین‌المللی کار به‌عنوان یکی از سازمان‌های تخصصی جامعه ملل در ژنو و واشنگتن شعبه داشت. وظایف این اداره تدوین نظامنامه‌ها و معاهده‌های بین‌المللی در موضوعاتی چون تعیین ساعات کار، دستمزد، شرایط کار، حمایت از کارگران زن، ممانعت از کار کودکان و ... با ضمانت عهدنامه ورسای

وضعیت اشتغال زنان و کودکان بافنده قالی و جایگاه آنها ... (مرضیه حسینی) ۷۱

بود. ایران به عنوان کشوری که در زمان امضای عهدنامه ورسای به عضویت سازمان ملل درآمده بود، در سال ۱۳۰۰ عضویت در اداره بین المللی کار را پذیرفت و به رعایت و اجرای مفاد نظام نامه های این موسسه در زمین حقوق کارگران اعم از زن و مرد و کودک ملزم شد. (احمدزاده و منصوربخت، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۲)

گزارش رئیس هیئت اعزامی مؤسسه بین المللی کار که در سال ۱۳۱۲ از صنایع کشور بازدید کرد اما نشان می دهد که طرح «حفظالصحه کارگران» اجرایی نشده بود. وی در گزارش خود می نویسد: اصول بهداشتی و حفظالصحه درخصوص کارگران اعمال نمی شود، ایمنی کار به هیچ وجه وجود ندارد، سن کودکان با حجم و نوع کار آنها متناسب نیست و همچنین هیچ قانون و نظامنامه ای درخصوص زنان کارگر به مرحله اجرا در نیامده است. (ساکما، ۲۹۱۰۰۳۲۸۴) بنا به شهادت همین گزارش وضعیت بهداشتی در کل کارخانه ها نامناسب بود به عنوان مثال نبود دست شویی به تعداد کافی و مناسب و یا وارد کردن فاضلاب های کارخانه به رودخانه نزدیک کارخانه ها سبب بروز بیماری های مختلف عفونی و مریض شدن کارگرها می شد. مشکل دیگر کارگران در حوزه بهداشت و سلامت، عدم دسترسی به موقع و مناسب به پزشک و پرستار و معاینه فرد به فرد بود که باعث می شد که گاهی یک بیماری واگیردار در بین کارگران شایع شود. (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۵۶۱)

چنین وضعیتی سبب شد که در مرداد ۱۳۱۵ نظامنامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی در ۶۹ ماده تصویب شود. (ساکما، ۲۹۱۰۰۳۲۸۴) بعضی از مواد این نظامنامه به کار زنان و کودکان اختصاص داشت.

نظامنامه کارخانجات و مؤسسات صنعتی در سال ۱۳۱۵

ماده ۸	ساخت دستشویی به نسبت تناسب تعداد کارگران (برای هر ۲۵ نفر یک مستراح). مجرای دستشویی طوری طراحی شود که تولید عفونت نکند.
ماده ۹	ساخت حمام در همه کارخانه ها الزامی است. ضرورت وجود لباس مخصوص کار، دادن پک بهداشتی شامل حوله و صابون به کارگرها، تعبیه کردن ابزار و ظروفی برای انداختن آب دهان و بینی کارگر و قرار دادن صندلی برای استراحت کارگران.
ماده ۱۳	کارخانه می بایست سیستم تهویه مناسب داشته و روزانه نظافت شود. کارخانه ها و کارگاه ها می بایست مجهز به سیستم گرمایشی و سرمایشی استاندارد و همچنین نور مناسب، و ابزار صداگیر برای بخش های پر سروصدا باشند.

مواد ۲۱	ارجاع زنان کارگر باردار به پزشک به صورت مرتب از جانب کارفرما الزامی است. مرخصی با حقوق ۶ هفته قبل و ۶ هفته بعد زایمان حق هر کارگر زن است.
ماده ۲۲	وجود اتاقی برای انجام کارهای ویژه زنانه و همچنین شیر دادن اطفال در کارخانه‌هایی که بیش از ۵۰ زن بالای ۱۶ سال دارند الزامی است. کار کردن کارگران زن و کار کودکانی که سن آنها کمتر از ۱۵ سال باشد در شب ممنوع است.
تبصره	دستمزد کارگر باید اقلأً هر ۱۵ روز یک مرتبه پرداخت شود. ساعات کاری نباید از ۸ ساعت در روز و ۴۸ ساعت در هفته بیشتر باشد.
تبصره	استخدام کارگر کمتر از ۱۴ سال ممنوع است مگر مواردی که در آیین‌نامه باشد.
تبصره	حقوق روز جمعه کارگران پرداخت شود. در برابر هر ۱۱ ماه و نیم کار ۱۵ روز مرخصی با حقوق داده شود.

این قوانین و مواد اما مانند همیشه تنها در حد حرف رو روی کاغذ باقی ماند. عدم رعایت موارد گفته شده زنان و کودکان کارگر و بافنده را به بیماری‌های نرمی استخوان، روماتیسم، مشکلات گوش و کم شنوایی، مشکلات چشمی، اختلالات عصبی و بیماری‌های عفونی رحم و دستگاه تناسلی دچار کرده بود. (ساکما، ۲۴۸/۵۴)

زنان همان‌طور که گفته شد عمدتاً در بخش پنبه یا پشم پاک‌کنی که کاری بسیار دشوار، غیربهداشتی و کم‌اجرت بود کار می‌کردند؛ اتاق‌های این بخش فاقد نور و پنجره به اندازه کافی و همچنین فاقد تهویه بودند؛ وجود این شرایط در کنار رطوبت و نبود ماسک و دستکش سبب شده بود که زنان به دلیل وجود کثافات و گردوخاک زیاد و همچنین حشرات مختلف در میان پشم و پنبه به بیماری‌های تنفسی و عفونی دچار شوند و حتی بینایی شان را به مرور از دست بدهند. (همان)

اما قوانین مصوب ضمانت اجرایی نداشت. وضعیت نساجی‌های اصفهان و قالی بافی این شهر نیز همانند کرمان و سایر شهرها از حیث رعایت مسائل بهداشتی وخیم بود. کارگاه‌ها و محیط کارخانه ماه‌ها تمیز نمی‌شد و بوی زباله و تعفن در همه جا به مشام می‌رسید. نور و هوا اندک بود و تهویه وجود نداشت. کارگران مجبور بودند در چنین شرایطی کار کنند به همین دلیل اغلب بیمار، ضعیف و ناتوان بودند. (ساکما، ۲۹۱۰۰۳۲۸۴)

به صورت کلی در کارخانه‌ها و کارگاه‌های نساجی و بافندگی وضعیت کودکان کارگر به مراتب وخیم‌تر از سایر کارگران بود. به گزارش بازرس بهداری اصفهان در سال ۱۳۱۰ سن بعضی از این کودکان دختر و پسر کمتر از ۹ سال بود. کار سخت، ساعات طولانی کار

وضعیت اشتغال زنان و کودکان بافنده قالی و جایگاه آنها ... (مرضیه حسینی) ۷۳

و فقدان بهداشت و ایمنی در محل کار در کنار تغذیه بسیار نامناسب سبب شده بود که این کودکان دچار شدیدترین صدمات جسمی و معلولیت‌های مختلف شوند. (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۵۶۱)

شرایط گفته شده درخصوص شرایط کار زنان و کودکان در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها عمومیت داشت. این قاعده کلی درخصوص بعضی از کارگاه‌های بزرگ که شرایط خاصی داشتند کمی متفاوت بود. به‌عنوان مثال کارخانه قالی‌بافی حاج محمدتقی ایرانی (وکیل‌الرعی) که در سال ۱۳۰۹ در شهر مهران همدان دایر بود از جمله این کارخانه‌ها بود که از حیث بهداشت، ساعت کاری و پرداخت به‌موقع حقوق کارگران براساس قواعد و قوانین عمل می‌کرد. این کارخانه تحت نظارت یک کمپانی آمریکایی به نام «قراگزیان» کار می‌کرد و کمپانی کارخانه را از وکیل‌الرعی اجاره گرفته بود. محصولات این کارخانه که اعم از قالی، قالیچه و کنار فرشی بود، تماماً به آمریکا، اروپا، انگلیس و مصر صادر و همچنین به شکل سفارشی برای فروش در آمریکا تولید می‌شد. سفارشات انگلستان نیز توسط کمپانی شرق انگلیس ارائه و مدیریت می‌شد. کارخانه ۵۰۰ کارگر داشت که بخش اعظم آن را زنان و کودکان تشکیل می‌دادند. زنان حامله و کودکان ۶ ساله نیز به کار بافندگی در این کارخانه اشتغال داشتند. این کودکان اکثراً فرزندان زنان کارگر بودند. مدیریت کارخانه فضای مخصوصی به همراه تعدادی گهواره برای اطفال شیرخوار زنان کارگر تعبیه کرده بود. مزد زنان کارگر بسته به حجم کار بافته شده و تعداد گره قالی، بین ۵ شاهی تا یک قران در روز بود. در این کارخانه دو نوع قالی بافته می‌شد که قیمت نوع اول زرعی ۲۵ تا ۴۰ تومان و نوع دوم زرعی ۸ تا ۲۵ تومان بود. (ساکما، ۲۹۳۸۷۰۶)

۳. قراردادهای بین‌المللی درخصوص وضعیت کار زنان و کودکان

در دوره پهلوی، ایران به‌عنوان کشوری که داعیه ترقی و تمدن داشت، چاره‌ای جز گردن نهادن به قراردادهای بین‌المللی و قواعد جامعه ملل در زمینه حقوق زنان و به‌ویژه کودکان نداشت. هرچند در بدنه ساختار حاکمیت و همچنین نظام قانون‌گذاری در ایران هیچ علاقه و عزمی مبنی بر انجام اصلاحات در زمینه کار زنان و کودکان وجود نداشت اما ایران از جانب مجامع جهانی تحت فشار بود، بنابراین در کنفرانس‌هایی مانند ژنو که با موضوع کار زنان و کودکان در سوئیس برگزار می‌شد شرکت می‌کرد و به قراردادهای مصوب آن در

حوزه کارگری می‌پیوست؛ هرچند در عمل وخامت وضعیت کار زنان و کودکان در صنعت قالی و نساجی نشان می‌دهد که قوانین عهدنامه‌های مزبور ضمانت اجرایی چندانی نداشتند. در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۱۹ دولت آمریکا از کشورهای مختلف از جمله ایران دعوت کرد برای صحبت و رای‌زنی درخصوص قوانین مربوط به کار کودکان در واشنگتن اجماع و قراردادهایی را که در این خصوص تدوین و مورد توافق قرار می‌گیرند در کشورهای خود اجرا کنند.

پیش از این نیز درخصوص کار زنان و کودکان قراردادهای ورسای مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹/۱۲۹۸ و سن ژرمن مورخ ۱۰ سپتامبر همین سال به تصویب رسیده بود. مفاد این سه قرارداد مقرر می‌داشت که:

کار اطفال و کودکان کمتر از ۱۴ سال در مؤسسات صنعتی عمومی و خصوصی در شاخه‌های مختلف ممنوع است. این قانون در مؤسساتی که به‌صورت خانوادگی و توسط اعضای یک خانواده انجام می‌شود لازم‌الاجرا نیست.

ماده چهارم مدیران مؤسسات صنعتی را موظف می‌کرد که لیست کارگران زیر ۱۶ سال خود و همچنین سال تولد تمام کارگران را جهت بازرسی ارائه دهند. (سازمان اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۱۱، کارتن ۱، پرونده ۱۶۲: ۱۲)

در سال ۱۹۳۳م/۱۳۱۱-۱۳۱۰ در شهر ژنو شانزدهمین دوره کنفرانس مشاغل با مشارکت کشورهای مختلف از جمله ایران تشکیل شد. مسئله محوری کنفرانس، حقوق زنان و به‌ویژه کودکان در حوزه اشتغال و خاصه کار کارگری بود. در خرداد همین سال اداره کل صنعت طی نامه‌نگاری با وزارت امور خارجه با موضوع پیوستن ایران به قراردادهای بین‌المللی، به دشواری‌های اعمال قوانین بین‌المللی مربوط به کار کودکان، زنان و کار کارگران در نظام‌نامه کارخانجات قالی‌بافی اشاره کرد.

جمال‌زاده عضو دفتر بین‌المللی مشاغل درخصوص این مسئله خطاب به وزارت خارجه نوشت: در این نظام‌نامه، کار اطفال ذکور کمتر از ۱۰ سال و دختران کمتر از ۱۲ سال در کارخانجات و کارگاه‌های قالی‌بافی ممنوع شده است. سواد نظام‌نامه از طرف وزات اقتصاد ملی به کمیسیون‌های قالی، که در اغلب مراکز قالی‌بافی تحت نظارت حکام شهرها اداره می‌شود، برای اطلاع و جلب مساعدت ابلاغ‌شده کمیسیون‌های مذکور اعلام کردند که اجرای این نظام‌نامه در ایران ممکن نیست، زیرا به گفته حکام و صاحبان صنایع و قالی‌بافی

ها اگر مقرر باشد از کار اطفال جلوگیری شود کل کارخانه‌ها و کارگاه‌های قالی‌بافی تعطیل می‌گردد، زیرا اغلب کارگران بافنده اطفال پسر و دختری هستند که سن آن‌ها کمتر از ۱۰ و ۱۲ سال است که هر یک بیش از ۲ سال سابقه کار دارند و از عهده کار به خوبی برمی‌آیند؛ اگر قرار باشد مفاد نظام‌نامه اجرا شود باید تمام این کارگران را اخراج و نیروی تازه‌کار و جدید با دستمزد زیاد استخدام کنند که مدت‌ها طول می‌کشد تا اصول کار را بیاموزند. در نتیجه اجرای این دستور صدمات مالی هنگفتی به صاحبان صنایع قالی‌بافی و کل صنعت ایران وارد می‌کند. جمال‌زاده افزود استخدام نیروی کار در سنین بالاتر مستلزم پرداخت مزد بیشتری است که این کار باعث می‌شود قیمت تمام‌شده قالی گران‌تر شود آن هم در شرایطی که وضعیت تجارت قالی چندان رضایت‌بخش نیست. (اسناد سازمان وزارت خارجه، س ۱۳۱۱، کارتن ۱، پرونده ۱۰۱۶۲: ۱۷)

در ادامه این گزارش با موضوع عدم امکان اجرای مواد نظام‌نامه درخصوص منع به‌کارگیری کودکان در صنعت قالی‌بافی آمده است براساس مواد این نظام‌نامه به‌کارگیری اطفال دختر و پسر در کارخانه‌ها تا قبل از ۱۶ سالگی ممنوع است، این در حالی است که در ایران کودکان در بچگی نه درس می‌خوانند، نه تفریحی دارند تمام کودکی آن‌ها به ولگردی می‌گذرد و اگر در سنین کودکی مشغول به کار نشوند پس از ۱۶ سالگی حرفه‌ای نمی‌دانند که با آن امرار معاش کنند؛ دخترها نیز در سن ۱۳ یا ۱۴ سالگی ازدواج می‌کنند و بسیاری از آن‌ها پس از ازدواج از چرخه کار خارج می‌شوند این درحالی است که بخش اعظم نیروی کار در کارخانه‌های قالی دخترها و دخترپچه‌ها هستند و اگر آن‌ها از چرخه کار خارج شوند هم وقتشان به بطالت می‌گذرد و هم ضربه جدی به صنعت قالی وارد می‌آید. (همان: ۱۸)

نظام‌نامه کارخانجات قالی‌بافی بخش دیگری نیز داشت به مسئله شرایط محل کار و حفظ‌الصحه کارگران مربوط می‌شد. مواد این نظام‌نامه که در سال ۱۳۱۱ متأثر از فشارهای بین‌المللی از طرف اداره کل صنعت تنظیم شده بود برای تمام کارخانه‌ها و کارگاه‌ها لازم‌الاجرا بود، اما در واقعیت کارفرمایان از انجام آن شانه خالی می‌کردند.

فصل اول نظام‌نامه به ضرورت استاندارد بودن محل کار کارگران به‌ویژه کودکان در کارخانه اختصاص داشت. در مواد مختلف این فصل آمده بود محل کار باید حداقل نیم ذرع از سطح زمین ارتفاع داشته باشد، مرطوب نبوده آفتاب‌گیر و روشن باشد، کف کارگاه

و کارخانه با اجر یا تخته مفروش شده باشد، مساحت کارخانه متناسب با تعداد کارگران باشد، لاقل برای هر کارگر ۳ گز مربع وسعت ملحوظ و ارتفاع آن از ۴ گره کمتر نباشد، محل کار دارای در شیشه‌ای و پنجره‌های شیشه‌ای رو به بیرون و امکان تهویه مدام باشد، محل نشستن کارگر باید متناسب با جسم و کار او راحت بوده و برای استخوان‌بندی بدن مضر نباشد. در زمستان باید بخاری در محل کار قالی‌بافان نصب شود. (همان، ۱۳۱۱- کارتن (پرونده ۱۰۶۲: ۲۱)

تقریباً هیچ کدام از شرایط فوق در کارخانه‌ها و کارگاه‌های قالی‌بافی لحاظ نمی‌شد، اداره عهود و جامعه ملل در مکاتبه با اداره صنعت نسبت به وضعیت اسفناک کودکان بافنده در مراکز قالی‌بافی به‌ویژه کرمان اعتراض کرد. محل نشستن کودکان تناسبی با جسم آن‌ها نداشت، همچنین تاریک، نمور، کم‌جا و کثیف بودن این امکان اغلب کودکان را دچار بیماری‌های مختلف خاصه بیماری‌های استخوانی، پوستی و ریوی می‌کرد. دختر بچه‌ها وقتی به سن ۱۶ سالگی می‌رسیدند، فرم بدن و لگن آن‌ها تغییر یافته بود و به لحاظ جسمی نیز بسیار ضعیف بودند. اداره عهود نوشت: تداوم این وضعیت برای نفوس ایران بسیار مضر بوده زیرا دختران بافنده به دلیل تغییر شکل بدن زایمان‌های سختی خواهند داشت و بچه‌های آن‌ها اگر سقط نشود، مریض و رنجور خواهند بود. نکته دیگه‌ای که مورد تأکید اداره عهود و جامعه ملل بود، استثمار دختر بچه‌ها و پسر بچه‌های بافنده در کارخانجات به دلیل پایین بودن سن و فقر مالی والدینشان بود. (همان، سال ۱۳۱۱، کارتن ۱، پرونده ۱۰۶۲: ۱۹-۲۰)

فصل سوم نظام‌نامه قالی به مقررات مربوط به قالی‌بافان خاصه زنان قالیباف اختصاص داشت، در این فصل آمده بود:

فصل سوم نظام‌نامه قالی ۱۳۱۱

اشتغال اطفال ذکور کمتر از ده سال و دختران کمتر ۱۲ سال در قالی‌بافی‌ها ممنوع است.
کارخانجات مردانه و زنانه باید از یکدیگر مجزا باشد.
ساعت کاری در هر شبانه‌روز ۸ ساعت و در یک هفته ۴۸ ساعت است، مگر با توافق کارگر و کارفرما که ممکن است این مدت کمتر یا بیشتر باشد، اما مدت مزبور نباید از شبانه‌روزی ۱۰ ساعت و یا هفته‌ای ۶۰ ساعت تجاوز کند، در این صورت نیز کارگر می‌بایست اضافه‌کاری دریافت کند.

وضعیت اشتغال زنان و کودکان بافنده قالی و جایگاه آنها ... (مرضیه حسینی) ۷۷

در وقت ظهر باید حداقل یک ساعت فرصت ناهار و استراحت به کارگران داده شود.
مزد کارگر باید به موقع پرداخت شود و نباید بیشتر از یک ماه طول بکشد.
مزد کارگر باید به موقع پرداخت شود و نباید بیشتر از یک ماه طول بکشد.
اگر قالی‌باف مجروح یا مریض شود، صاحب کارخانه موظف است تا پایان دوره درمان به او مرخصی دهد و اگر قادر به کار کردن هست کار سنگین به او نسپارد، همچنین اگر کارگر در حین کار دچار سانحه یا بیماری شود کارفرما موظف است مزد او را در تمام مدت معالجه پرداخت نماید.
کارفرمایان موظف هستند که کارگرهای خود را بیمه کنند.
به زنان قالی‌باف باید مدت ۵ هفته قبل از وضع حمل و بعد از آن با تأدیه نصف مزد فرصت استراحت داده شود.

این نظام‌نامه همچنین تأکید می‌کرد که (همان، سال ۱۳۱۱، کارتن ۷، پرونده ۸.۴: ۱۹) فصل پنجم ناظر بر شیوه اجرای نظام‌نامه بود و تأکید می‌کرد که ظرف ۶ ماه پس از ابلاغ و انتشار این نظام‌نامه به کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، همه کارخانه‌ها موظف‌اند به مؤسسه قالی (زیر نظر وزارت اقتصاد ملی) مراجعه کرده و اطلاعاتی را که مؤسسه مزبور می‌خواهد در اختیارش قرار دهند. مقررات این نظام‌نامه همچنین در کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی که بیشتر از ۳ کارگر دارند لازم‌الاجراست. براساس ماده ۲۷، حاکم ایالت و بلدیة هر شهر مسئول نظارت بر اجرای مقررات مزبور در هر کارخانه بود و متخلفین از اجرای این مقررات به یک روز الی یک هفته حبس و پرداخت ۳ الی ۵ تومن غرامت محکوم می‌شدند. (همان، سال ۱۳۱۱، کارتن ۱، پرونده ۱.۱۶۲: ۲۳-۲۴)

اداره عهود جامعه ملل در سال ۱۳۱۶ گزارش می‌دهد که در ژوئن، کنفرانس عمومی توسط اداره بین‌المللی کار با موضوع سن کار کودکان در کشورهای شرقی برگزار شده و از آنجا که ایران نیز جزء کشورهای پیوسته به این سازمان است می‌بایست مفاد قراردادهای تصویبی را در کشور خود اجرا کند. در این کنفرانس عنوان شد که سن کار کودکان در هند ۱۲ سال و در ژاپن ۱۴ سال در سایر کشورهای شرقی نیز سن کودکان کار کمتر از ۱۰ سال نیست، در ایران اما شرایط به‌گونه‌ای دیگر است و هیچ محدودیت سنی در به‌کارگیری کودکان وجود ندارد؛ در این کنفرانس مقرر شد که سن کار در ایران نباید کمتر از ۱۵ سال باشد. (همان، سال ۱۳۱۶، کارتن ۸، پرونده ۸: ۱۰-۱۱)

بنا به گزارش اداره مستشاری وزارت امور خارجه در آذر ۱۳۱۶، کشورهای که در سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۱۰ به قراردادهای بین‌المللی در زمینه حقوق و کار کودکان و زنان پیوسته بودند، موظف می‌شدند که هر ساله گزارش اقداماتی که به نفع کودکان و زنان در حوزه‌های مختلف به‌ویژه قانون‌گذاری انجام داده‌اند را به کمیته دائمی حمایت اطفال وابسته به جامعه ملل در ژنو ارسال کنند و همچنین نسبت به درپیش گرفتن رویه‌های عدالت‌طلبانه و انسانی نسبت به این گروه‌ها متعهد شوند. در بخش دیگر گزارش آمده وزارت معارف می‌بایست با همکاری وزارت خارجه اقداماتی را که دولت در چند سال اخیر در خصوص ورزش زنان و کودکان، تأسیس مؤسساتی در حوزه کودک مانند پرورشگاه‌ها، دارايتام‌ها و دارالرضاعیه‌ها انجام داده به جامعه ملل گزارش کند. (همان، سال ۱۳۱۶، کارتن ۱، پرونده ۱۴، ص ۲۳)

یکی دیگر از اقدامات دولت پهلوی در زمینه حقوق کودکان که در سال ۱۳۱۶ از طرف وزارت عدلیه متأثر از فشارهای بین‌المللی و کمیته حمایت از اطفال صورت گرفت؛ قانون مجازات اطفال بود که دولت از طرف جامعه ملل و کمیته حمایت از اطفال برای تصویب آن در مجلس تحت فشار بود. هرچند که مشخص نیست قوانینی از این دست ضمانت اجرایی داشته یا اصلاً اجرا می‌شده یا نه، اما طرح لوایحی از این دست نشان از تأثیر فضای بین‌المللی و مسئله زن و کودک در جهان قرن بیستم در کشورهای ایران دارد. مواد مختلف این قانون مقرر می‌داشت:

مجازات حبس برای کودکان به‌کلی ممنوع است و مجرمینی که سن آن‌ها کمتر از ۱۸ سال است به جای حبس می‌بایست به مؤسسات تربیتی سپرده شوند؛ همچنین اگر صغیری که سن او به ۱۲ سال نرسیده مرتکب عملی شود که در قانون جرم شناخته شده باشد، قانون‌گذار با توجه به اهمیت عمل و رعایت خصوصیات اخلاقی خانواده که کودک در آن پرورش یافته دستور می‌دهد او را در مؤسسات تربیتی نگهداری کنند. همچنین قانون‌گذار می‌بایست در صورت تشخیص اینکه خانواده کودک صلاحیت نگهداری از او را ندارند، کودک را به خانواده‌ای که صلاحیت بیشتری دارند بسپارد یا از خانواده التزام تغییر رفتار و رویه بگیرد. راه دیگری که در قانون پیش‌بینی شده بود سپردن کودک به مؤسسات صحتی یا مؤسسات تربیتی بود. (همان، سال ۱۳۱۶، کارتن ۱، پرونده ۱۴: ۲۷)

نگاهی به مواد مختلف این لایحه که برگرفته از قوانین کشورهای اروپایی به‌ویژه سوئیس بود مشخص می‌دارد که روح این دست‌لوايح متناسب با شرایط اجتماعی و خانوادگی جامعه اروپایی بود. در ایران نه مؤسسات تربیتی و صحتی برای اطفال به‌اصطلاح بزه وجود داشت و نه سازوکاری برای آموزش خانواده‌های کودکان بزه و یا گرفتن التزام حسن اخلاق و تربیت از آنها؛ بنابراین تصویب این لوايح نیز صرفاً بر روی کاغذ و با هدف تمکین از مقررات بین‌المللی انجام می‌گرفت.

ایران موظف بود گزارش تصویب این لایحه در مجلس را به جامعه ملل ارائه دهد.

در بهمن ۱۳۱۶ همچنین، وزارت امور خارجه در مکاتباتی با اداره عهود و جامعه ملل و وزارت معارف به نکاتی در خصوص وظیفه دولت در خصوص اطفال معلول و یا اطفالی که به بیماری‌های ذهنی و مغزی دچار هستند اشاره کرد و مداخله شهرداری و بهداری در خصوص رسیدگی به وضعیت این گروه را خواستار شد و تأکید کرد کمیته حمایت از اطفال پیگیر وضع قوانین و اختصاص تسهیلات برای این دست از اطفال در کشورهای عضو جامعه ملل هست. (همان، سال ۱۳۱۶، کارتن ۱، پرونده ۱۴: ۳۵)

اداره کل عهود و جامعه ملل در مکاتباتی با اداره حقوقی وزارت عدلیه در اردیبهشت سال ۱۳۱۶ نوشت: مؤسسه «حقوق متساویه بین‌المللی» زیر نظر جامعه ملل، خواستار مطلع شدن از وضعیت اقتصادی زنان در مراحل مختلف زندگی مانند همسری، مادری و خانه‌داری است. (همان، سال ۱۳۱۶، کارتن ۱، پرونده ۱۹: ۱)

این مؤسسه سؤالاتی در خصوص وضعیت اقتصادی زنان به‌ویژه زنان خانه‌دار مطرح کرد و از وزارت عدلیه خواست به این سؤالات پاسخ دهد، سؤالات و جواب‌ها به‌صورت زیر بود:

سؤال: آیا در مملکت شما قانونی وجود دارد که طبق آن زوجه نسبت به سهمی از درآمد شوهر خود ذی‌حق باشد؟

جواب: در ایران چنین قانونی وجود ندارد، اما براساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی نفقه زن بر عهده مرد است و اگر مرد از پرداخت استنکاف کند زن می‌تواند به محکمه شکایت کند.

سؤال: آیا زنی که در بیرون از خانه کار نمی‌کند و خانه‌دار است، قانوناً نسبت به دارایی شوهر خود حقی دارد؟

جواب: اگر کار زن در زمره مشاغل خانگی و در عوض دستمزد باشد، ذی‌حق در مطالبه آن خواهد بود ولی برای خانه‌داری حقی از دارایی‌های مرد به او تعلق نمی‌گیرد.

سؤال: آیا دولت به زنان شوهردار هیچ اعانه‌ای تخصیص داده است؟

پاسخ: نه

سؤال: آیا دولت برای کودکان اعانه‌ای در نظر گرفته است؟

جواب: کودکان محصل اگر بضاعت مالی نداشته باشند مورد حمایت دولت قرار می‌گیرند. (همان: ۲)

بنابراین در زمان رضاشاه، سازمان‌های حقوق بشری توجه ویژه‌ای به حقوق زنان کارگر و کودکان کار داشتند، ایران نیز تعهدات این سازمان‌ها را به دلیل عضویت در آنها پذیرفته بود ولی داده‌های این مقاله و رصد وضعیت معیشت گروه‌های فرودستی چون زنان طبقه پایین خاصه کارگران زن و یا کودکان کار نشان می‌دهد که عضویت در سازمان‌های حقوق بشری بیشتر ژستی مدرن برای دولت مطلقه جدید بود و حاکمیت الزام‌چندانی به رعایت مفاد قراردادهای بین‌المللی در زمینه رعایت حقوق طبقات فرودست از جمله کارگران نداشت.

۴. نتیجه‌گیری

جامعه و اقتصاد ایران در دوره رضاشاه اولین مراحل صنعتی شدن را تجربه کرد. دولت پهلوی کوشید تحول در حوزه‌های سستی اقتصاد و صنعتی شدن را به مشاغل سستی زنان نیز تسری دهد. بافندگی به ویژه قالی بافی که از دیرباز محل تمرکز کارگرا و بافنده‌های زن بود، نیز متأثر از جریان صنعتی شدن تغییراتی به خود دید اگرچه این تغییرات به دلیل ساختار شغلی و نیروی کار حاضر در قالی بافی اندک بود. دولت با تاسیس موسساتی چون کمیسیون قالی کوشید صنعت قالی بافی در کشور را تحت نظارت گرفته و از طریق گسترش کارخانه‌ها و تغییر در شیوه تولید کارگاه‌ها با کمک نصب تجهیزات و ماشین‌آلات جدید همچنین آموزش دختران و پسران جوان در آموزشگاه‌های نوین بر میزان بهره‌وری و اشتغال در بخش قالی بافی بیفزاید. کارگران زن و دختر بچه‌های ۶ تا ۱۲ ساله‌ای که در بخش قالی بافی کار می‌کردند از حیث شرایط کار، حقوق و دستمزد در شرایط بسیار اسفناکی قرار داشتند، این شرایط زنان را به انواع بیماری‌های تنفسی و استخوانی، همچنین

وضعیت اشتغال زنان و کودکان بافنده قالی و جایگاه آنها ... (مرضیه حسینی) ۸۱

سقط جنین و به دنیا آوردن کودکان ناقص و معلول دچار کرده بود. دولت پهلوی هر چند تحت فشار مجامع بین‌المللی در حوزه حقوق کارگر مجبور به تنظیم نظام نامه‌های کار در داخل و پذیرفتن قراردادهای بین‌المللی در زمینه حقوق کارگران زن و کودک شده بود اما در عمل تقریباً هیچ یک از نظامنامه‌ها به مرحله اجرا در نیامد و استثمار کارگران زن زیر سایه اتحاد دولت و کافرما ادامه یافت.

پی‌نوشت‌ها

۱. تحلیل وضعیت نساجی در تحولات شهری اصفهان، (۱۳۴۵-۱۳۰۰) مهدی رجایی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۲
۲. موقعیت کارگران در دوره رضاشاه، میثم رضایی یگانه، دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۲
۳. تاریخ ظهور و تحول مفهوم جدید کارگر در ایران معاصر (۱۳۳۲-۱۲۸۵)، حسین احمدزاده نودیچه، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۸

شیوه ارجاع به این مقاله

حسینی، مرضیه. (۱۴۰۰). وضعیت اشتغال زنان و کودکان بافنده قالی و جایگاه آنها در نظامنامه‌های بین‌المللی کار در عصر رضاشاه (با تکیه بر اسناد). *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، 11(2), doi: 10.30465/shc.2022.39028.2287

کتاب‌نامه

فلور، ویلم (۱۳۹۳). صنایع کهن در دوره قاجار. ترجمه علیرضا بهارلو. تهران: پیکره احمدزاده، حسین، منصور بخت، قباد، «اداره بین‌المللی کار و نخستین قانون کار در ایران»، گنجینه اسناد، سال ۲۹، دفتر چهارم، زمستان ۱۳۹۸

اطلاعات، ش ۱۳۰۸، ۷۳۴؛ ش ۱۵۷۳، ۱۳۱۰؛ ش ۱۵۷۷، ۱۳۱۰؛ ۱۳۱۷/۹/۷؛ ساکما، پرونده‌های شماره: ۲۳۹۰۰۰۵۹۰۵، ۲۹۱۱۴۹۵؛ ۲۹۳۲۸۲۰۵؛ ۲۹۷۲۲۶۶۲؛ ۲۹۳۵۹۰۵؛ ۲۹۱۱۴۹۵؛ ۲۹۳۲۸۲۰۵؛ ۳۱۰۰۰۰۳۴۵؛ ۲۴۰۶۳۸۶؛ ۲۹۷۲۲۶۶۲؛ ۲۹۳۵۹۰۵؛ ۲۹۱۱۴۹۵؛ ۲۹۳۲۸۲۰۵

۸۲ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۹۷/۲۹۳/۱۵۶۱:۲۹۱۰۰۳۲۸۴:۲۴۸/۵۴:۲۹۱۰۰۳۲۸۴:۹۷/۲۹۳/۱۵۶۱:۲۹۱۰۰۳۲۸۴:۲۹۳۸۷۸
:۲۹۳۸۷۰۶

استاد سازمان وزارت خارجه، پرونده های شماره: س ۱۳۱۱، کارتن ۱، پرونده ۱۶۲ س ۱۳۱۱،
کارتن ۱، پرونده ۱۰۱۶۲ س ۱۳۱۱، کارتن ۷، پرونده ۸۰۴ س ۱۳۱۶، کارتن ۸، پرونده ۸ س
۱۳۱۶، کارتن ۱، پرونده ۱۴ س ۱۳۱۶، کارتن ۱، پرونده ۱۹

Sedghi, Hamide, (2007). Woman and Politics in Iran, New York: Cambridge university press